



The Foundations of the Civil Liability of the Brand Owner in the Supply Chain for Damages Caused to Workers in the Legal Systems of the European Union and Imamieh Jurisprudence

Saeideh Ramezani Nejad Khakiani¹, Mohammad Bagher Parsapour²,
Tayebeh Saheb³

¹ Ph.D. in Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Email: parsapour@modares.ac.ir.

² Associate Professor of Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(Corresponding Author), Email: t-saheb@modares.ac.ir.

³ Assistant Professor of Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Email: s.ramezaninejad@modares.ac.ir.

Abstract

With the increasing complexity of international production and trade, commercial companies are outsourcing their production processes to developing countries to reduce costs. In these countries, workers often operate under poor conditions without proper legal protections. These supply chains have resulted in numerous labor rights violations and human tragedies, necessitating the adoption of specific regulations on the civil liability of trademark owners. Consequently, leading nations, particularly the European Union, have recently introduced effective legislation, such as the 2024 Corporate Sustainability Due Diligence Directive, to ensure corporate and trademark owner accountability in supply chains. This article focuses on the labor rights violations within supply chains and examines the civil liability foundations of trademark-owning companies, including ethical, social, economic, and Islamic jurisprudential principles. Highlighting the absence of regulations governing the liability of trademark owners in Iran, the study emphasizes the importance of adopting a regulatory framework similar to the EU directive. It proposes developing suitable legal structures tailored to Iran's needs, drawing upon theoretical foundations and local requirements.

Keywords: supply Chain, Civil Liability of Brand Owner, Islamic Jurisprudence, Corporate Social Responsibility, Workers' Rights.

Received: 2024/09/03 ; **Revised:** 2024/12/15 ; **Accepted:** 2025/02/23 ; **Published online:** 2025/06/22

How To Cite: Ramezani Nejad Khakiani, Saeideh; Parsapour, Mohammad Bagher; Saheb, Tayebheh (2025).

The Foundations of the Civil Liability of the Brand Owner in the Supply Chain for Damages Caused to Workers in the Legal Systems of the European Union and Imamieh Jurisprudence, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 12(2), 117-140. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2025.11282.2585>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





مبانی مسئولیت مدنی ویژند در زنجیره تأمین کالا در قبال خسارات وارده به کارگران در حقوق اتحادیه اروپا و فقه امامیه

سعیده رضانی نژاد خاکیانی^۱، محمد باقر پارساپور^۲، طیبه صاحب^۳

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، رایانامه: s.ramezaneinejad@modares.ac.ir
^۲ دانشیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، رایانامه: parsapour@modares.ac.ir
^۳ استادیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، رایانامه: t-saheb@modares.ac.ir

چکیده

با پیچیده‌تر شدن تولید و تجارت بین‌الملل، شرکت‌های تجاری برای کاهش هزینه‌ها، فرایند تولید کالایشان را به کشورهای جهان سوم برون‌سپاری می‌کنند؛ کشورهایی که در آن‌ها کارگران غالباً در شرایط نامناسب و بدون برخورداری از حقوق قانونی کار می‌کنند. این زنجیره‌های تأمین منجر به نقض حقوق کار و فجایع انسانی متعددی شده است که تصویب مقررات خاص در حوزه مسئولیت مدنی صاحب ویژند را به ضرورت بدل کرده است. ازاین‌رو، کشورهای پیشگام و به‌ویژه اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر قوانین مؤثری ازجمله مراقبت پایدار شرکتی مصوب ۲۰۲۴ برای مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها و صاحبان ویژند در زنجیره تأمین کالا تدوین کرده‌اند. در این مقاله با تمرکز بر آسیب‌های زنجیره تأمین کالا بر حقوق کارگری، مبانی مسئولیت مدنی شرکت‌های تجاری صاحب ویژند شامل مبانی اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و فقهی بررسی می‌شود. این پژوهش با توجه به نبود مقررات ناظر بر مسئولیت صاحب ویژند در زنجیره تأمین در ایران به‌رغم وجود زنجیره‌های تأمین داخلی و شواهدی از کار برای زنجیره‌های تأمین بین‌المللی، بر اهمیت تنظیم مقررات مشابه با دستورالعمل اتحادیه اروپا، در ایران تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که با تکیه بر مبانی نظری و خصوصاً فقهی نظیر قواعد لاضرر و تسلط و احترام و نیز با توجه به نیازهای بومی، چارچوب‌های قانونی مناسب برای اعمال این مسئولیت تدوین گردد.

کلیدواژه‌ها: زنجیره تأمین کالا، مسئولیت مدنی صاحب ویژند، مبانی فقهی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، حقوق کارگران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
استاد به این مقاله: رضانی نژاد خاکیانی، سعیده، پارساپور، محمدباقر؛ صاحب، طیبه (۱۴۰۴). مبانی مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین کالا در قبال خسارات وارده به کارگران در حقوق اتحادیه اروپا و فقه امامیه، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۲)، ۱۱۷-۱۴۰

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2025.11282.2585>



مقدمه

افزایش ارتباطات جهانی که از آن با عنوان «دهکده جهانی» یاد می‌شود، تأثیرات عمیقی بر فرآیندهای تولید و تجارت بین‌الملل داشته و منجر به تکه‌تکه شدن فرآیندهای تولید شده است. شرکت‌های تجاری، صرف‌نظر از مقیاس فعالیتشان، برای کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری، برون‌سپاری تمام یا بخشی از تولید خود را به کشورهای درحال توسعه، به‌ویژه در آسیا و آمریکای جنوبی انتخاب می‌کنند (Ulfbeck et al, 2019: 16). این تأمین‌کنندگان نیز اغلب بخشی از وظایف خود را به لایه‌های دیگری از نیروی کار واگذار می‌کنند و بدین ترتیب، زنجیره‌های تأمین پیچیده، تودرتو و چندلایه‌ای شکل می‌گیرد که از استخراج مواد خام تا فروش نهایی محصول را در برمی‌گیرد (Ulfbeck et al, 2019: 16).

شناسایی و تعیین مسئولیت شرکت‌های صاحب ویژند در این زنجیره‌های تأمین، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، به دلیل تأثیرات گسترده آن بر حقوق کارگران و جوامع محلی، اهمیت بسزایی دارد. در سطح داخلی، نمونه‌هایی مانند گروه صنعتی مینو که از زنجیره‌های تأمین برای تأمین مواد اولیه‌ای همچون آرد و شکر و روغن استفاده می‌کند، نشان می‌دهد که شرایطی که این شرکت‌ها به تأمین‌کنندگان و کشاورزان تحمیل می‌کنند، می‌تواند به زیان نیروی کار تمام شود (انجمن صنفی صنایع بیسکویت و شیرینی و شکلات ایران: ۱۴۰۱).

فجایعی همچون ریزش ساختمان «متروپل آبادان» در سال ۱۴۰۱ که منجر به مرگ تعدادی از کارگران شد، ذهن را به این پرسش معطوف می‌کند که این کارگران برای چه صاحبان ویژند یا کارفرمایانی کار می‌کردند و در چه شرایطی مشغول به کار بودند. طبق گزارش‌ها، علت اصلی ریزش ساختمان عدم رعایت استانداردهای ساختمانی و فنی بوده است. این واقعیت باعث می‌شود که این سؤال پیش آید که آیا وقوع چنین آسیب‌هایی برای صاحب ویژند یا کارفرما از قبل قابل پیش‌بینی بود؟ اگر رابطه کاری این کارگران در قالب زنجیره تأمین قابل تعریف باشد، بازماندگان آن‌ها می‌توانند علیه صاحب ویژند که به احتمال زیاد موقعیت مالی مناسبی برای جبران خسارت دارد، طرح دعوی کنند. از این دست آسیب‌ها و خسارات به کارگران، متأسفانه کم نیست و در بسیاری از موارد، عدم نظارت کافی و رعایت استانداردها از سوی صاحب ویژندی که کارگران در راستای نفع او مشغول به کار هستند، منجر به چنین فجایع انسانی می‌شود.

در سطح بین‌المللی نیز علی‌رغم تحریم‌ها، شواهدی وجود دارد که کارگران ایرانی در زنجیره‌های تأمین کالاهای با ویژندهای جهانی مشارکت دارند. گزارش‌هایی مانند گزارش مؤسسه (Verisk Maplecroft) که به مشکلات حقوق کارگران در زنجیره تأمین تولید خرما در ایران اشاره دارد، ضرورت تنظیم مقررات حمایتی برای مدیریت این زنجیره‌ها و حمایت از نیروی کار را برجسته می‌کند (White, 2021).

اگرچه زنجیره‌های تأمین، قلب تجارت بین‌الملل محسوب می‌شوند و مزایای فراوانی برای شرکت‌ها، مصرف‌کنندگان و حتی جوامع محلی دارند (Hult et al, 2008: 526-544)؛ چالش‌های زیادی در زمینه‌های حفظ محیط‌زیست و حمایت از حقوق کارگران ایجاد می‌کنند. بنابراین گرچه زنجیره‌های تأمین امروزه ضرورتی انکارناپذیر در تولید و تجارت بین‌الملل ایفا می‌کنند، اما در عین حال یک خطر برای رشد اقتصادی و بهبود استانداردهای جوامع محسوب می‌شوند (Klassen & Vereecke, 2012: 103-115). از این‌رو، احساس نیاز برای مقررات‌گذاری در حوزه تأثیرات زنجیره‌های تأمین بر محیط‌زیست و جوامع محلی به‌ویژه زمانی که تأمین‌کنندگان در اقتصادهای در حال توسعه مستقر هستند که حاکمیت قانون در آن‌ها ضعیف یا حتی ناچیز است (Srivastava, 2007: 54-55). مرکز توجه کشورهایی پیشگام در مقررات‌گذاری قرار گرفته است.

نمونه‌ای از فجایع انسانی در این زنجیره‌ها، حادثه رانا پلازا در بنگلادش در سال ۲۰۱۳ است که به مرگ بیش از ۱۱۰۰ کارگر و جراحت بالغ بر ۲۰۰۰ نفر منجر شد (Bergkamp, 2019). این فجایع، همراه با دعاوی حقوقی متعاقب توجه مصرف‌کنندگان، افکار عمومی و قانون‌گذاران را به سمت ایجاد مسئولیت برای شرکت‌های صاحب زنجیره تأمین معطوف کرده است.

در حالی که نیاز برای شناسایی مسئولیت صاحب و سازنده و تصویب قوانین در این حوزه روز به روز آشکارتر می‌گردد، برای درک این مسئولیت مدنی نوین، ابتدا باید مبانی آن را شناسایی کرد. این مسئولیت که با چالش‌های جهانی نوین و تحولات حقوقی همگام شده، باعث شده است شرکت‌ها حتی در قبال تأمین‌کنندگانی که با آن‌ها رابطه قراردادی مستقیم ندارند نیز مسئولیت‌پذیر باشند. در این مقاله، مبانی زیرساختی این مسئولیت، شامل مبانی اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فقهی بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در اتحادیه اروپا مقرراتی نظیر دستورالعمل مراقبت بایسته در پایداری شرکتی مصوب ۲۰۲۴ به‌عنوان ابزارهای مؤثر برای مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها تصویب شده است، در حقوق ایران، به‌رغم وجود مبانی فقهی همچون قاعده لاضرر و تسلط، هیچ قانونی در خصوص مسئولیت صاحب و سازنده در زنجیره تأمین وجود ندارد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که با تصویب قوانین داخلی، این مسئولیت‌ها در زنجیره‌های تأمین داخلی و بین‌المللی به‌طور مؤثرتری اعمال شوند.

۱. مبانی اجتماعی مسئولیت مدنی صاحب و سازنده در زنجیره تأمین

در گذشته‌ای نه چندان دور، در عالم حقوق شرکت‌های تجاری این نظریه حاکمیت داشت که شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی ندارند و صرفاً اجتماعی از سهامداران هستند که تا جایی که قانونی را نقض نکنند، می‌توانند کسب منفعت کنند. بر همین اساس بود که برخی اندیشمندان مسئولیت شرکت‌ها را صرفاً به افزایش سود محدود می‌کردند (Friedman, 1963). اما چند عامل دست به دست هم دادند تا این دیدگاه در مورد شرکت‌های تجاری و نقش آن‌ها در جامعه تغییر کند.

یک عامل گسترش این بینش بود که دولت‌ها به تنهایی قادر به حل کامل معضلات جوامع بشری از جمله آلودگی و فقر نیستند (Miwa, 1999: 1227-1254) و لازم است در این مسیر از نقش و پشتیبانی شرکت‌های تجاری بزرگ که هم از منابع مالی قابل توجه و هم از قدرت چانه‌زنی برخوردارند کمک بگیرند (Committee for Economic Development, 1971).

عامل دیگر برای شکل‌گیری نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، این باور جمعی است که شرکت‌های تجاری در راستای کسب منفعت هزینه‌های بالایی برای جوامع بشری و نیز محیط‌زیست به بار می‌آورند (Stout, 2012). نقض حقوق بشر، عدم پابندی به قوانین و سوءاستفاده‌های مالی نمونه‌هایی از تعرض شرکت‌های تجاری به حقوق جوامع است که نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به شدت تقویت نموده است (Grossman & Levenstein, 1993: 7-18). بنابراین نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت تنها به‌عنوان یک وظیفه برای شرکت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی گسترش نیافته است، بلکه پاسخی به تقاضای رفتار مسئولانه از سوی ذی‌نفعان و جامعه است (Porter & Kramer, 2006: 78-92). به بیان ساده می‌توان گفت نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت، تحت تأثیر تقاضای اجتماع از شرکت‌ها و علاقه و توجه جامعه به ارزش‌ها و هنجارهایی است که مصرف‌کنندگان، زمان خرید کالا به آن‌ها اهمیت نشان می‌دهند (Joyner & Payne, 2002: 297-311). بر اساس نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت، شرکت‌های تجاری نباید تنها به فکر منفعت سهامداران خود باشند. بلکه در محدوده فعالیتشان، بابت هزینه‌هایی که به جامعه تحمیل می‌کنند، مسئولیت اجتماعی دارند (Wood, 2011). این نگرش مستلزم تحولات اقتصادی و اجتماعی اساسی‌ای است که سه مفهوم اجتماعی و زیست‌محیطی و اقتصادی را هم‌زمان مورد توجه قرار می‌دهد (Carroll, 1979: 497-505).

جستجوی بارقه‌هایی از مسئولیت اجتماعی شرکت در حقوق داخلی، مقررات صریحی که متضمن این مسئولیت باشد به دست نمی‌دهد. باین حال می‌توان از برخی مواد و اصولی قانونی مانند اصل پنجاه قانون اساسی، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، مواد مختلفی از قانون کار، ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و ... مقرراتی یافت که تلویحاً متضمن مسئولیت اجتماعی شرکت هستند. همچنین طبق عمومات ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی که حاوی مقررهای عام در خصوص مسئولیت است می‌توان مسئولیت اجتماعی شرکت را نیز پوشش داد. بنابراین می‌توان اظهار داشت این مبنا در حقوق داخلی مسبوق به سابقه و پذیرفته شده است (نوری یوشانلوئی و جوهر، ۱۳۹۳: ۶۱۱).

نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت به‌عنوان بستر و مبنایی برای شکل‌گیری و گسترش مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین کالا عمل کرده است. این نظریه، شرکت تجاری را در قبال جامعه، حقوق کار و محیط‌زیست مسئول می‌داند. کارگران و تامین‌کنندگان سطح چندم که در شرایط مخالف موازین حقوق کار به نفع شرکت کار می‌کنند نیز به‌عنوان ذی‌نفعان حقوق بشر تحت شمول این مسئولیت قرار

دارند. به این ترتیب، مسئولیت مدنی صاحب ویزند جلوه‌ای خاص از نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت است.

۲. مبانی اخلاقی مسئولیت مدنی صاحب ویزند در زنجیره تأمین

مسئولیت اجتماعی شرکت به حضور شرکت در جامعه و احراز زیان به جامعه می‌پردازد، در حالی که مسئولیت اخلاقی مبتنی بر شخصیت شرکت است و به ناصواب بودن عمل و تکالیف اخلاقی شرکت می‌نگرد. مسئولیت اخلاقی با شخص و ارزش‌های اصول اخلاقی معنا می‌یابد و تمرکز بر اصولی است که ضروری می‌باشند. بنابراین، حوزه شمول مسئولیت اخلاقی متفاوت از مسئولیت اجتماعی است که مرتبط با جامعه و محیط‌زیست است. این گفتار ارزش‌هایی که نقص آن‌ها مبنای مسئولیت اخلاقی شرکت می‌شود را بررسی می‌کند.

۲-۱. احترام به کرامت انسانی

این ارزش بر لزوم احترام به منزلت و ارزش‌های اساسی هر فرد دلالت دارد. شرکت‌های تجاری باید ارزش‌های تمامی افرادی که با آن‌ها در تعامل هستند، از کارگران و مشتریان تا کلیت جامعه را محترم شمارند. رعایت کرامت انسانی نه تنها باعث ایجاد اعتماد و احترام متقابل بین شرکت و کارگران می‌شود، بلکه می‌تواند به بهبود عملکرد نیروی کار و افزایش بهره‌وری کمک کند. شرکت‌ها می‌توانند با اقداماتی نظیر ایجاد محیط‌های کاری سالم و ایمن، فراهم کردن تسهیلات بهداشتی مناسب در محیط کار جلوگیری از تبعیض و نابرابری و عدم تعرض به کرامت کارگران، به این اصل پایبند باشند. پارلمان اروپا در قطعنامه‌ای در سال ۲۰۱۶ از شرکت‌های تجاری داخل و خارج اروپا خواست تا مراقبت بایسته را در زمینه حقوق بشر و ارزش‌های انسانی در کشورهای ثالث در سیاست‌ها و رویه‌های داخلی خود مبذول دارند و در این خصوص منابع و اختیارات لازم را تخصیص داده و به جدیت اجرا کنند (European Parliament, 2016).

جایگاه لزوم احترام به مال و جان و آبروی دیگران در حقوق اسلامی تا حدی است که در فقه قاعده‌ای تحت عنوان قاعده احترام وجود دارد که به ادله‌ای چون آیات قرآنی و ادله روایی متکی است. تفصیل این قاعده در ادامه ذیل مبنای فقهی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، لکن تا حدی که به مبنای اخلاقی مربوط می‌شود باید توجه کرد که مطابق با ادله مذکور میان احترام و ضمان تلازم وجود دارد. به این معنا که نه تنها تعرض نسبت به جان و مال دیگران ممنوع است، در صورت تعرض، خسارت وارده باید تدارک گردد.

۲-۲. شفافیت و صداقت

این ارزش از اصول بنیادین مسئولیت اخلاقی شرکت‌های تجاری به شمار می‌رود که نه تنها سبب ایجاد اعتماد بین شرکت و ذی‌نفعان می‌شود بلکه به بهبود عملکرد شرکت و جلوگیری از بروز مشکلات مالی و

قانونی نیز منجر می‌گردد. شفافیت به معنای ارائه اطلاعات درست و کامل و ایجاد ارتباطات باز و صادقانه با ذینفعان است. اتحادیه اروپا به‌طور فعال به ترویج شفافیت و صداقت در زنجیره‌های تأمین پرداخته است و شرکت‌ها را ملزم می‌کند تا تحت تکلیف مراقبت بایسته، شفافیت را در زنجیره‌های تأمین خود مورد توجه قرار دهند. شرکت‌ها می‌توانند با انتشار گزارش‌های مالی و عملکردی شفاف نحوه عملکرد و رویکردهایی که برای مدیریت اخلاقی زنجیره تأمینشان اتخاذ کرده‌اند را در معرض اطلاع و قضاوت عموم قرار دهند.

قطعنامه سال ۲۰۱۷ پارلمان اروپا در مورد تأثیر تجارت بین‌الملل و سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا جلوه‌ای از تأکید اروپا بر این مسئولیت اخلاقی در زنجیره‌های تأمین است (European Parliament, 2017). در این قطعنامه پارلمان اروپا از کمیسیون اروپا می‌خواهد تا به‌طور فعالانه در سازمان تجارت جهانی (WTO) اقداماتی در راستای افزایش شفافیت در زنجیره‌های تأمین و تعریف و ترویج قوانین چندجانبه برای مدیریت پایدار زنجیره‌های تأمین اتخاذ نماید.

۲-۳. عدالت و انصاف

مسائل مربوط به انصاف در زنجیره تأمین، به‌عنوان یک نگرانی اساسی و روزافزون در زنجیره‌های تأمین کالا به‌شمار می‌روند. این زنجیره‌ها به‌واسطه فعالیت در کشورهای مختلف و مقررات دولتی گوناگون پراکندگی شرکای تجاری و کارگران در سطح جهانی، دارای چالش زیادی از جنبه‌های مختلف به‌ویژه رعایت انصاف و عدالت در سراسر زنجیره هستند. به عبارت دیگر تنوع جغرافیایی و پیچیدگی زنجیره تأمین می‌تواند بستر رویه‌های ناعادلانه بالقوه را فراهم کند (Chen et al, 2022: 4304). به دلیل موقعیت برتر اقتصادی و قدرت چانه‌زنی بالای صاحب ویژند در زنجیره، دور از ذهن نیست که او از موقعیت خود سوءاستفاده کند و هرگونه شرایط ناعادلانه را در زنجیره تأمین اعمال کند (Bagchi, 2019: 2501). در همین راستا برخی صاحبان ویژند در حال توسعه ابتکاراتی هستند تا رعایت انصاف و عدالت در زنجیره تأمین را مورد هدف قرار دهند.

همان‌طور که در بند احترام به کرامت انسانی اشاره‌ای مختصر شد، در حقوق ایران که بر مبنای فقه اسلامی استوار است مبانی اخلاقی همچون کرامت انسانی، شفافیت، صداقت، عدالت و انصاف به‌صورت ضمنی در قوانین مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، اصول ۱۹، ۲۰ و ۲۲ قانون اساسی به صراحت از کرامت انسانی و حقوق افراد جامعه حمایت می‌کند. همچنین، ماده ۶ قانون کار، بر ممنوعیت هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی در محیط کار تأکید دارد و به‌نوعی کرامت انسانی و عدالت را تضمین می‌کند. شفافیت و صداقت نیز در قانون تجارت، ماده ۵۳ که شرکت‌ها را به ارائه اطلاعات مالی صحیح ملزم می‌کند و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، ماده ۲ که بر صداقت در ارائه کالاها و خدمات تأکید دارد، منعکس شده است. علاوه بر این، اصول عدالت و انصاف در مواد مختلفی از قانون

مدنی و همچنین اصل ۲۰ قانون اساسی که به حقوق برابر افراد جامعه اشاره دارد، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این قوانین نشان می‌دهند که اصول اخلاقی در نظام حقوقی ایران جایگاه ویژه‌ای دارند و می‌توانند به‌عنوان مبنای مسئولیت شرکت‌ها در نظر گرفته شوند. بسیاری از اندیشمندان و اساتید حقوق ایران، اصل کرامت انسانی را به‌عنوان بنیاد و منشأ سایر حقوق بنیادین انسانی در نظام حقوقی تلقی می‌کنند (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۰۸). این دیدگاه، بر این باور استوار است که کرامت ذاتی انسان، محور اصلی همه حقوق و آزادی‌ها بوده و بدون پذیرش این اصل، تضمین سایر حقوق معنای واقعی خود را از دست خواهد داد. در این راستا، برخی پژوهشگران تأکید کرده‌اند که حقوقی نظیر برابری و عدالت اجتماعی و منع تبعیض، ریشه در احترام به کرامت انسانی دارند که در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منعکس شده است (ویژه، ۱۳۸۳: ۲۳۱). این دیدگاه بر اهمیت حفظ شأن و ارزش انسان به‌عنوان موضوع و غایت نهایی حقوق تأکید می‌ورزد و بر لزوم پاسداری از آن در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأکید دارد. توجه به اصول اخلاقی در رد تعداد قابل توجهی از مصوبات مجلس شورای اسلامی از سوی شورای نگهبان به استناد مغایرت با اصل کرامت انسانی مشهود است که دلیلی بر پیوند عمیق میان اصول اخلاقی و نظم حقوقی ایران است (مفتاحی، ۱۴۰۱: ۲۲۷).

باید توجه کرد وقتی صحبت از عدالت و انصاف در زنجیره تأمین کالا می‌شود، صرفاً منظور پرداخت دستمزد منصفانه و فارغ از تبعیض نژادی، جنسیتی، مذهبی و ... نیست. بلکه رفتار منصفانه در زمینه‌های غیرمالی اگر بیشتر از پرداخت منصفانه اهمیت نداشته باشد، حداقل همان قدر واجد اهمیت است (Chen et al: 4310).

۳. مبانی اقتصادی مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین

مسئولیت صاحب ویژند در زنجیره تأمین از منظر اقتصادی نیز قابل توجه است. سایر بازیگران زنجیره تأمین اغلب انگیزه کافی برای رفتار مسئولانه ندارند و به ندرت طرف دعوا قرار می‌گیرند، بنابراین در عملیات خود احتیاط و مراقبت کمتری دارند. این امر منجر به تبعات منفی اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه آسیب به کارگران می‌شود. تحلیل اقتصادی نشان می‌دهد که مسئولیت صاحب ویژند می‌تواند تضمینی برای انجام مراقبت‌های لازم در زنجیره تأمین باشد و اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش تبعات منفی را تسهیل کند. تأمین‌کنندگان در زنجیره تأمین به سه دلیل انگیزه کافی برای رفتار مسئولانه ندارند (Koenig, 2024).

۳-۱. محدودیت ثروت

اولین مسئله برای ناکافی بودن انگیزه مسئولیت برای تأمین‌کننده این است که تأمین‌کنندگان در زنجیره‌های تأمین که عموماً در کشورهای جهان سومی مرکزیت دارند، توان مالی کافی برای پوشش خسارات واقع شده در زنجیره‌های تأمین را ندارند (Kambia-Chopin, 2010: 77). فجایی که در زنجیره‌های تأمین

حادث می شود می تواند خسارات کلانی به بار آورد، نظیر فاجعه رانا پلازا در بنگلادش در ۲۰۱۳. حتی شرکت های تجاری با توان مالی بالا نیز ممکن است در مواردی قادر به جبران کامل خسارات ناشی از زنجیره تأمین نباشند. لذا تدابیر احتیاطی تأمین کننده های ساینز متوسط و کوچک که توان مالی چندانی ندارند طبیعتاً کمتر از حدی خواهد بود که برای جلوگیری از وقوع آسیب ها در زنجیره تأمین ضروری است؛ حتی اگر احتمال وقوع یک آسیب قابل پیش بینی و محرز باشد. زیرا تأمین کننده یک هزینه فایده می کند که اگر ریسک کند و بدون هزینه بابت تدابیر احتیاطی فعالیت کند از نظر اقتصادی موجه تر است و در صورت وقوع خسارت نهایتاً ریسک ورشکستگی و از دست دادن کسب و کار را می پذیرد تا اینکه بابت پیشگیری یا توقف هر آسیب هزینه های کلان صرف کند که با رقم درامدش همخوانی ندارد.

۲-۳. محدودیت اطلاعات

مشکل دیگری که می تواند منجر به عدم توجه تأمین کننده به رفتارهای مراقبتی در زنجیره تأمین گردد، کمبود اطلاعات است. در واقع به دست آوردن اطلاعات مربوط به ارزیابی و شناسایی خطر ها و شیوه های فائق آمدن بر آن ها مستلزم صرف هزینه و زمان است که باز برای تأمین کنندگان کوچک و متوسط مستقر در کشورهای جهان سوم، امکان پذیر نیست. در نتیجه تأمین کنندگان ممکن است احتمال وقوع یک رویداد آسیب زا را به دلیل اطلاعات ناقص یا اساساً نبود اطلاعات دست کم بگیرند. به سخن دیگر کمبود اطلاعات از خطرات موجود در زنجیره سبب می شود آسیب مورد انتظار از آسیبی که در واقعیت رخ می دهد بسیار کمتر باشد. هر چه تأمین کننده از نظر ساینز کوچک تر باشد، معقول است فرض کنیم تلاش کمتری برای کسب اطلاعات کارآمد داشته باشد. زیرا منابع مالی شرکتی محدود است و انگیزه برای سرمایه گذاری در چنین اقداماتی نیز محدودیت دارد (Koenig: 17-18).

۳-۳. محدودیت اجرای قانون در زنجیره تأمین

یکی از دلایل اصلی انگیزه ضعیف تأمین کنندگان برای رفتار مسئولانه در قبال کارگران، به ضعف در اجرای قوانین در کشور محل فعالیت تأمین کننده بازمی گردد. تأمین کنندگان اغلب آگاه هستند که زیان دیدگان به دلیل شانس پایین موفقیت در دعاوی مسئولیت زنجیره تأمین، هزینه های بالای دادرسی و خلأ های قانونی در جبران این خسارت، از پیگیری چنین دعاوی صرف نظر می کنند. این عدم پیگیری دعاوی مسئولیت، خود زمینه ساز تشدید مشکلات و بروز بیشتر مسئولیت ها می شود (Koenig: 17-18).

با لحاظ کردن همین سه محدودیت اقتصادی و جستجوی بازیگری از زنجیره تأمین که محدودیت های فوق را نداشته باشد، صاحب ویژند نهادی از زنجیره تأمین است که ضمن رهبری زنجیره

از نظر ثروت،^۱ دسترسی به اطلاعات و نظام کارآمد قانونی در کشور متبوع با محدودیت مواجه نیست و لذا انگیزه‌های لازم برای بروز رفتار مسئولانه را دارا است.

برای اینکه مکانیزم مسئولیت غیرمستقیم صاحب ویزند کارآمد باشد، علاوه بر نبود محدودیت‌های فوق، باید قدرت کنترل رفتار تأمین‌کننده را نیز داشته باشد. جوهره مسئولیت زنجیره تأمین، جبران کوتاهی در مراقبت بایسته توسط تأمین‌کننده است، زیرا آسیب‌ها عمدتاً در حیطه عملیاتی تأمین‌کنندگان رخ می‌دهد. بنابراین، صاحب ویزند باید توانایی کنترل و جهت‌دهی به رفتار تأمین‌کننده را داشته باشد تا بر تدابیر مراقبت بایسته تأثیرگذار باشد.

۴. مبانی فقهی مسئولیت مدنی صاحب ویزند در زنجیره تأمین

با وجود اینکه مسئولیت مدنی صاحب ویزند در زنجیره تأمین کالا در قبال خسارات وارده به کارگران مسئولیتی جدید به شمار می‌رود، اما گذشته از مبانی پیشین طبق موازین فقهی نیز می‌توان چرایی این مسئولیت را پاسخ داد. بر این اساس در گفتار حاضر آن دسته از قواعد و اصول فقهی که برای توجیه مسئولیت صاحب ویزند قابلیت طرح دارند از حیث دلالت هر یک بر ضمان و نیز قابلیت پذیرششان در موضوع مورد بحث مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۴-۱. قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

این قاعده دلالت بر این دارد هرکس که غنم و منفعت برای اوست، غرم و خسارت نیز بر عهده او خواهد بود. درواقع برای شناسایی مسئول جبران خسارت، باید به دنبال کسی بود که منافع و فواید حاصله نصیب او گردیده است. این قاعده به صورت لفظی و دقیق در هیچ یک از منابع حدیثی امامیه یا عامه ذکر نشده است، لکن مفهوماً و با استنباط فقهی از مجموعه اخبار و اصول فقهی استخراج شده است. برای مثال علامه حلی در تذکره با استفاده از عبارت «له غنمه و علیه غرمه» اظهار می‌دارد در رهن منفعت رهن متعلق به راهن می‌ماند، لذا ضرر و زیان ناشی از تلف رهن نیز بر عهده اوست (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ۲۴۸).

این نقل قول از دکتر کاتوزیان که «... سرمایه‌داران بزرگ از محیط خطرناکی که به وجود آورده‌اند سود

۱. تأثیر فاکتور ثروت در مسئولیت صاحب ویزند در قوانین جهانی ناظر بر زنجیره تأمین نیز مورد توجه قرار گرفته است. این قوانین تمایل دارند به مقیاس مشخصی از شرکت‌ها با گردش مالی بیش از یک سقف تعیین شده، اعمال شوند. مثلاً دستورالعمل اتحادیه اروپا مقرر داشته تنها به شرکت‌های اروپایی با بیش از ۱۰۰۰ کارمند و گردش مالی خالص جهانی بیش از ۴۵۰ میلیون یورو و به شرکت‌های غیراروپایی با گردش مالی خالص در اتحادیه اروپا بیش از ۴۵۰ میلیون یورو اعمال می‌شود. بنابراین این دستورالعمل تنها به شرکت‌هایی که کسب‌وکار بزرگ با مقادیر قابل توجهی از گردش مالی اعمال می‌شود.

می‌برند، ولی در پناه پیچ‌وخم قوانین از جبران زیان‌هایی که به بار آورده‌اند، معاف می‌شوند. درحالی‌که همه این قاعده عادلانه را پذیرفته‌اند که ... من له الغنم فعلیه الغرم» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۲۵) که اساساً ناظر بر مسئولیت ناشی از عیب تولید است، در بادی امر می‌تواند برای مبناسازی فقهی مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین نیز مفید باشد. بنابر مفاد این قاعده هر کس که از عمل یا مالی منفعت می‌برد، خسارت ناشی از آن عمل یا مال نیز بر عهده او خواهد بود. این قاعده در هر شرایطی که جبران خسارت بر اساس سایر مبانی مسئولیت ممکن نباشد، می‌تواند به فریاد یاری‌خواهی عدالت و انصاف برای جبران خسارت از زیان‌دیده برسد و این مجال را فراهم کند خسارت ایجاد شده بر دوش زیان‌دیده بلاجبران باقی نماند (علوی قزوینی و مسعودیان‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۴).

باین حال، مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین کالا، به شکلی که پاسخگوی اقتضانات زنجیره‌های تأمین باشد، با چنین مبنایی همخوانی ندارد. ذات زنجیره تأمین انگیزه اقتصادی صاحب ویژند برای برون‌سپاری فرایند تأمین و تولید است. از همین روی است که هر قانونی در این زمینه به تصویب رسیده به جای تحمیل مسئولیت مطلق، بر قاعده تقصیر و وجود رابطه استناد عرفی بین صاحب ویژند و خسارت وارد بر کارگر تأکید دارند. بر اساس این رویکرد، اگر صاحب ویژند بتواند ثابت کند که مراقبت بایسته را در نظارت بر زنجیره تأمین خود انجام داده است، از مسئولیت معاف می‌شود.

در این چارچوب، قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» که مسئولیت را صرفاً بر اساس انتفاع اقتصادی تعیین می‌کند، نمی‌تواند به‌طور کامل با احتیاجات زنجیره‌های تأمین هماهنگ باشد. چراکه این قاعده می‌تواند مسئولیت‌های سنگینی بر دوش صاحب ویژند بگذارد، حتی در شرایطی که وی تمام اقدامات لازم را برای پیشگیری از زیان انجام داده باشد. همچنین این قاعده انگیزه‌ای برای رعایت مراقبت بایسته ایجاد نمی‌کند، زیرا صاحب ویژند حتی در صورت رعایت دقیق نظارت و استانداردها همچنان مسئول شناخته می‌شود و این امر می‌تواند منجر به افزایش فجایع انسانی و خسارات به کارگران شود. از سوی دیگر، در رویکردهای تقصیرمحور، مسئولیت تنها در صورت کوتاهی در انجام وظایف نظارتی یا پیشگیری از خطرات متوجه صاحب ویژند است که این امر با اصول عدالت و استناد عرفی مسئولیت هماهنگی بیشتری دارد.

به این ترتیب، هرچند قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» از منظر عدالت و جبران خسارت زیان‌دیدگان قابل توجه به نظر می‌رسد، اما برای تبیین مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین که عمدتاً بر مبنای تقصیر و استناد عرفی استوار است، قابل اعمال نیست.

۴-۲. قاعده تسلط

قاعده تسلط، جلوه‌ای خاص از قاعده تسلیط است که تمرکز آن بر مسئولیت ناشی از کنترل و نظارت است. به تعبیر دیگر، همان‌طور که ذات هر قاعده حقوقی، بستر توأمان حق و تکلیف است، قاعده تسلیط

بر حقوق متصرف و شخص مسلط بر مال تأکید دارد؛ درحالی که قاعده تسلط بر تکلیف و ضمانی که در اثر این تسلط و کنترل متوجه شخص است، تمرکز می‌کند. در فقه اسلامی ملاک و مناط ضمان در موارد متعددی نظیر ضمان راکب، سائق و قائد حیوان (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۰، ۱۶۱)، کسی که دیگری را شبانه از منزلش فرامی‌خواند (شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۲۷۶)، ضمان مولا در جنایات عبد (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۶۰۷)، ضمان مکره نسبت به خسارات به وجود آمده از طرف مکره (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ۱۸۶)، ضمان صاحب‌خانه بابت خسارات وارده از سگ خانه (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق: ۷۶۲) و ضمان مربی شنا (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۰، ۱۴۹) است. در برخی از این موارد، بین فقها در مورد دلیل یا حدود ضمان موجود اختلاف نظر است. مثلاً در مورد ضمان مربی شنا بر مبنای اختلاف است که آیا مربی در قبال مربی بالغ و رشید به همان اندازه مسئول است که در قبال مربی غیر بالغ دارای ضمان است (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ۹۶) یا خیر (امامی، ۱۴۰۲: ۱۳۳-۱۶۰). این اختلاف‌های مربوط به حدود ضمان از موضوع مقاله حاضر خروج موضوعی دارند، زیرا در مجموع دلالت بر این دارند در صورت وجود تسلط از سوی مربی بر مربی، مربی ضامن است و هرگاه تسلط به دلیلی زایل شود دیگر مربی ضامن نیست. بنابراین قدر متیقن این استدلال‌ها که به بحث حاضر مرتبط می‌گردد این است در تمام موارد مذکور که مصادیقی از ضمان غیر در قبال فعل زیانبار ناشی از رفتار دیگری هستند، تسلط و کنترل، ملاک برای ضمان غیر است. بدین بیان که علت ضمان در تمام این صور تسلط و کنترلی است که غیر بر شرایط موجود در آن مورد داراست. بنابراین حکمی که در خصوص این موارد مبنی بر مسئولیت وجود دارد مختص آن‌ها نیست و می‌توان از این حکم در موارد دیگر نیز که معیار کنترل و تسلط وجود دارد استفاده نمود.

در مسئولیت صاحب و می‌ژند در قبال خسارات وارده به کارگران همین ملاک کنترل و نظارت صاحب و می‌ژند بر کل زنجیره تأمین و تعیین دستورالعمل‌های رفتاری و ابلاغ آن‌ها توسط تأمین‌کنندگان به کارگران که تمام شرایط و چهارچوب کار و تولید در کارگاه‌ها را پوشش می‌دهد، مورد توجه است. به دلیل همین کنترل صاحب و می‌ژند و انتظاری که در سمت کارگران برای ایمنی در کار و نظارت صاحب و می‌ژند بر ایمنی کارگاه ایجاد می‌شود، مسئولیت صاحب و می‌ژند قابل توجه می‌گردد.

تا مدت‌ها استدلال صاحبان و می‌ژند حتی زمانی که در دادگاه‌ها بابت خسارات وارده به کارگران در زنجیره تأمینشان در مظان مسئولیت قرار می‌گرفتند این بود که ما از هویت این کارگران نیز اطلاع نداریم و هیچ‌گونه رابطه و قرارداد کارفرمایی یا پیمانکاری با آن‌ها منعقد نکرده‌ایم که به موجب آن در قبال شرایط کار این کارگران مسئولیت داشته باشیم. حتی در پرونده جابر علیه کیک^۱ وکیل و می‌ژند کیک در دادگاه در مقام دفاع اظهار کرد «... اگر مشتری یک نانوائی هستی و یک تکه نان از آنجا می‌خریدی و فردای آن روز،

1. Sutradhar v National Environmental Research Council [2006] UKHL 33, [2006] 4 All ER 490.

نانوایی دچار آتش سوزی شود، بر عهده شما به عنوان خریدار، هیچ مسئولیتی نیست و ما نیز صرفاً خریدار محصولات تولیدی از این تأمین کنندگان بوده ایم...» (Terwindt et al, 2017: 261-296).

اما فجایی که در زنجیره های تأمین در خصوص نقض حقوق کار و حقوق بشر اتفاق افتاده سبب ایجاد یک باور مشترک در مورد مسئول بودن صاحب ویزند در مقابل هر یک از اعضای زنجیره تأمینش گردیده است. بر اساس قوانین الزام آور جدید (قانون شفافیت زنجیره تأمین کالیفرنیا، ۲۰۱۰؛ قانون برده داری نوین انگلستان، ۲۰۱۵؛ قانون تکلیف مراقبت فرانسه، ۲۰۱۷؛ قانون برده داری نوین استرالیا، ۲۰۱۸؛ قانون مراقبت بایسته کار کودک هلند، ۲۰۱۹؛ قانون زنجیره تأمین آلمان، ۲۰۲۱؛ قانون شفافیت زنجیره تأمین نروژ، ۲۰۲۱؛ دستورالعمل مراقبت بایسته در پایداری شرکتی اتحادیه اروپا، ۲۰۲۴) شرکت های تجاری صاحب زنجیره تأمین موظف به اقداماتی در راستای مراقبت بایسته در زنجیره تأمینشان هستند. از مهم ترین مصادیق این مراقبت تعریف کدهای رفتاری و گنجاندن این کدها در قرارداد با تأمین کنندگان است (Bagchi: 2513). بنابراین این طور برمی آید به موجب رویه کنونی که ناشی از قدرت قوانین سخت است، صاحبان ویزند بر تمام زنجیره تأمین خود کنترل دارند.

این کنترل و نظارت که صاحب ویزند در بیانیه های خود در سطح عمومی به آن تأکید می کند در فقه اسلامی همان طور که گذشت، مسبوق به سابقه است و می تواند یک مبنای مستقل فقهی در نظر گرفته شود. زیرا بدیهی به نظر می آید که وقتی شخصی اقتدار بر مراقبت دیگری دارد و یا حق کنترل فعالیت دیگری را داشته باشد، باید مسئولیت اعمال شخص تحت کنترل را نیز داشته باشد (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۱۲).

۳-۴. قاعده لاضرر

از جمله قواعدی که در تکمیل نصوص شرعی کاربرد دارد و منشأ احکام متعددی گردیده است، قاعده لاضرر است که در بیشتر ابواب فقه مانند معاملات به آن استناد می شود. این قاعده مقرر می دارد هرگونه ضرر و اضرار در اسلام فاقد مشروعیت است و نفی گردیده است. به عقیده بسیاری از فقها دلیل اصلی قاعده لاضرر روایت معروف پیامبر (ص) است که آن حضرت به «سمره ابن جندب» فرمودند: «لاضرر و لااضرار» (کلینی، ۱۳۶۶: ۲۹۲-۲۹۴). بدین ترتیب با تمسک به این قاعده به عنوان قاعده ای مسلم در فقه و حقوق می توان تحلیل کرد هرگونه شرایط نامطلوب و مستعد ایراد ضرر در محیط کار زنجیره های تأمین اعم از شرایط غیر بهداشتی، کارگاه ها و خوابگاه های کارگری غیرایمن، نقض حقوق کار (ساعات کار نامتعارف، کار کودکان)، فشارهای روانی و ... و خسارات متعاقب آن ها ممنوع و محکوم به حرمت است. تا بدین جا به استناد لاضرر حرمت و عدم مشروعیت هر امری که موجب ضرر دیگری شود، قابل استنباط است. منتها بحث اصلی در باب موضوع پژوهش حاضر مبنای مسئولیت صاحب ویزند در زنجیره تأمین در مقابل کارگران است. لذا این سؤال باقی است آیا به استناد قاعده فقهی لاضرر می توان مسئولیت صاحب ویزند را برداشت کرد؟

در این خصوص باید گفت فقها در مورد اثبات مسئولیت و ضمان با تمسک به لاضرر اتفاق نظر ندارند. برخی از جمله محقق نائینی معتقدند لاضرر اثبات ضمان نمی‌کند. چون با استناد به لاضرر می‌توان حکم نامشروع را لغو دانست و نمی‌توان حکمی را اثبات کرد. به سخن دیگر ایشان معتقد است لاضرر نقش بازدارنده دارد و نه سازنده (نائینی، ۱۳۷۶: ۲۲۱). در مقابل برخی فقها از جمله صاحب ریاض در مواردی برای اثبات ضمان، به لاضرر تمسک کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ۲: ۳۰۲). همچنین شیخ انصاری در مکاسب برای ضمان مقبوض به عقد فاسد به قاعده لاضرر در کنار قاعده احترام استناد نموده است (شیخ انصاری، ۱۳۶۴: ۱۰۴).

آنچه می‌تواند در اختلاف حاضر، مسئله را روشن کند آن است که در قاعده لاضرر به «عقل» و «بنای عقلا» تمسک شود. نباید فراموش کرد که حدیث لاضرر در جریان اختلاف سمره بن جندب با مرد انصاری، تنها یکی مستندات و دلایل قاعده لاضرر است. مقصد تمام ادله‌ای که در خصوص قاعده لاضرر وجود دارند از همین حدیث گرفته تا نصوص قرآنی همگی «عقل» است. عقل حکم می‌کند اضرار به دیگران قبیح و از نظر شرع مقدس حرام است. همچنین عقل حکم می‌کند در صورت ورود زیان، تدارک آن بر سبب زیان لازم باشد. چراکه عدم تدارک ضرر، نوعی ظلم است و ظلم عقلاً قبیح و شرعاً حرام است. اندیشه لزوم جبران خسارت که شاکله و غایت مسئولیت مدنی است اساساً از دستاوردهای حقوق اسلامی و قاعده لاضرر نیست. بلکه عمر آن به نظریه عدالت اصلاحی ارسطو به عنوان سازوکاری جهت جبران خسارت وارد بر افراد بازمی‌گردد (ارسطو، ۱۳۷۸ش: ۱۷۲). همچنین اندیشه مزبور از نظر گستره جغرافیایی محدود به نظام حقوقی خاصی نیست و در تمام نظام‌ها از اصول بدیهی حقوقی به شمار می‌آید (بادینی و مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۶).

در زمینه زنجیره تأمین، این قاعده می‌تواند از دو نظر درباره مسئولیت صاحب ویژند در زنجیره تأمین به کار رود:

نخست، نفی شرایط زیان بار در محیط کار: بدین معنا که بر اساس قاعده لاضرر هرگونه شرایط زیان بار در محیط کار (مانند نقض ایمنی، ساعات کاری غیرمتعارف یا خوابگاه‌های غیرایمن) نامشروع است. همچنین صاحب ویژند، به عنوان منتفع اصلی از زنجیره تأمین موظف است این شرایط را شناسایی و رفع کند.

دوم، لزوم جبران خسارت ناشی از ضرر: قاعده لاضرر می‌تواند مبنای الزام صاحب ویژند به جبران خسارت باشد. اگر از کوتاهی صاحب ویژند خسارتی به کارگران وارد شود، قاعده لاضرر مسئولیت رفع یا جبران این ضرر را بر عهده وی قرار می‌دهد. زیرا هر ضرری که منتسب به یک شخص باشد (مانند صاحب ویژند)، باید بر اساس قاعده لاضرر جبران شود، چراکه باقی گذاشتن ضرر در شریعت، ظلم محسوب می‌شود.

در نتیجه بر اساس قاعده لاضرر، مسئولیت صاحب ویژند در زنجیره تأمین قابل توجیه است و این قاعده می‌تواند مبنای نفی شرایط زیان‌بار برای کارگران و همچنین الزام صاحب ویژند به جبران خسارت ناشی از کوتاهی در نظارت باشد. بنابراین، اگر ضرری به کارگران در زنجیره تأمین وارد شود و این ضرر ناشی از ترک مراقبت یا کوتاهی صاحب ویژند باشد، قاعده لاضرر مسئولیت جبران خسارت را بر عهده وی قرار می‌دهد.

۴-۴. قاعده استناد عرفی

نظریه استناد عرفی در توجیه مبنای فقهی ضمان زیان رساننده از سوی اساتیدی چون محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۲۰ به بعد) و باریکلو (باریکلو، ۱۴۰۲: ۱۱۸ به بعد) مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این نظریه همین که از نظر عرف ضرر وارده به کسی قابلیت استناد داشته باشد جبران خسارت بر او لازم می‌آید و استناد عرفی برای مسئولیت او کافی است. بنابراین در این دیدگاه تقصیر صرفاً قرینه‌ای برای احراز این استناد عرفی است و به تنهایی موضوعیت ندارد. برای قاعده استناد عرفی مصادیق فقهی و قانونی متعددی به عنوان پشتوانه معرفی شده است. از جمله حسینی مراغی در عناوین، اظهار می‌دارد که صدق عرفی تلف برای ضمان چه از باب اتلاف چه از باب تسبیب کافی است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۴۳۵). شهید ثانی نیز در بحث تصادف، تصادف‌کننده را به این دلیل ضامن معرفی می‌کند که تلف مصدوم عرفاً به او استناد دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۰، ۱۱۶). همچنین صاحب جواهر در خصوص مرگ بر اثر فریاد استدلال می‌کند اگر از اوضاع و احوال استنباط گردد مرگ به سبب فریاد بوده فریادزننده مسئول است و در غیر این صورت یا در صورت تردید در این استناد، اصل عدم ضمان است (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۳-۵۷).

نظریه استناد عرفی در مواد متعددی از قوانین ایران نیز قابل ملاحظه است. ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است». مواد ۵۲۱ و ۴۹۹ و یا ماده ۲۹۵ این قانون که استناد عرفی به جهت ترک فعل را مورد توجه قرار داده است نیز مصادیق دیگری از استناد عرفی در قوانین ایران به شمار می‌آیند.

لازم به ذکر است نظریه استناد عرفی در مواردی که خسارت عرفاً به یکی مستند است، اما قانوناً تدارک آن بر عهده شخص دیگری است می‌تواند مورد خدشه واقع گردد. نمونه این مورد را می‌توان در ضمان عاقله ملاحظه نمود که در ماده ۲۹۲ به آن اشاره شده است و مقرر می‌دارد، چنانچه جنایتی در خواب یا بیهوشی حادث شود، خطای محض بوده و بنابر ماده ۴۶۳ در جنایت خطای محض اگر اثبات آن با بینة، قسامه یا علم قاضی واقع شده باشد، پرداخت دیه بر عهده عاقله است. با این حال همان‌طور که برخی فقها مانند آیه‌الله خویی و صاحب جواهر مسئولیت عاقله را صرفاً تکلیفی می‌دانند، نه حکم

وضعی. حکم تکلیفی و وضعی از این نظر متفاوت هستند که اگر مسئولیت عاقله از باب حکم تکلیفی باشد، ذمه خود جانی مشغول است و عاقله صرفاً از نظر شرعی تکلیف پرداخت دیه دارد و ضامن نیست. لذا اگر دیه را نپردازد، واجبی را ترک کرده و مرتکب حرام شده است. باین حال در صورت فوت عاقله از آنجا که دیه از ابتدا بر ذمه او نبوده، به مجنی علیه یا اولیای وی مدیون نیست. اما اگر مسئولیت عاقله از باب حکم وضعی باشد، ذمه او از ابتدا مشغول است و جانی بری الذمه به حساب می آید. لذا در صورت فوت عاقله و جوب پرداخت دیه ساقط نمی شود. در این بین فقهای نامبرده به استناد آیه ۹۲ سوره نساء که می فرماید: حتی اگر قتل از روی خطا باشد، قاتل باید خون بها به کسان مقتول بپردازد، با جمع بین این آیه و روایات مربوط به مسئولیت عاقله و نیز اختصاص جنایت به جانی نه دیگری استدلال می کنند عاقله دیه را از طرف جانی و به عنوان دین وی می پردازد. با این تفسیر استناد عرفی در فرض پرداخت خسارت از سوی شخصی غیر از زیان زننده نیز توجیه می یابد.

بنابراین با در نظر گرفتن ملاک رابطه استناد در ادله فقهی و مقررات قانونی که در هر ضمانی برای شناسایی عامل جبران خسارت، به استناد عرفی توجه شده است می توان از مبنای استناد عرفی در توجیه مسئولیت صاحب ویژند در زنجیره تأمین کالا نیز استفاده کرد. همان طور که در رسیدگی به پرونده های با موضوع زنجیره تأمین نظیر پرونده جابر علیه کیک دادگاه به استناد عرفی آتش سوزی که سبب مرگ تعداد زیادی کارگر شد به صاحب ویژند کیک توجه کرد. در واقع در این پرونده، مسئولیت صاحب ویژند نه به دلیل آتش سوزی بلکه به دلیل عدم تمهیدات و ایمنی لازم در مقابله با آتش سوزی احتمالی بوده است. پنجره های میله ای، نبود خروجی های اضطراری، فقدان کارآمد اعلام حریق و تجهیزات اطفاء حریق و همچنین عدم آموزش مواردی هستند که در پرونده جابر علیه کیک وجود دارند و نشان می دهند که کارگران قادر به فرار از آتش نبودند. ادعا در پرونده مزبور این است که مرگ و صدمات کارگران ناشی از استانداردهای بهداشتی و ایمنی معیوب در نتیجه عدم انجام تعهدات ادعایی کیک در تبلیغات و دستورالعمل هایش به تأمین کننده برای تضمین سلامت و ایمنی کارگران بوده است. این آتش نیست که عامل خسارات بوده است، بلکه ناتوانی در مقابله با آتش است که ریشه ادعا است. به این ترتیب استناد عرفی خسارت به بار آمده در این حادثه به صاحب ویژند مورد بررسی دادگاه قرار گرفت.

۵-۴. قاعده احترام

همان طور که در ذیل مبنای اخلاقی اشاره گردید قاعده احترام نیز از جانب برخی اساتید (حکمت نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۵؛ قنوتی و جاور، ۱۳۹۰: ۳۷) و به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در نظر گرفته شده است. این قاعده متکی به ادله بنای عقلا (محقق داماد، ۱۴۰۶: ج ۱، ۲۱۳) و آیات شریف قرآن و نیز روایات است. برای مثال آیه شریفه ۷۰ سوره اسراء می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» این آیه نشان دهنده جایگاه رفیع انسان در نظام خلقت است و حرمت جان او به عنوان بخشی از کرامت انسانی شناخته می شود.

همچنین امام صادق (ع) فرموده‌اند: «المُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ؛ لَا يَظْلِمُهُ؛ وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَخُونُهُ». یعنی مسلمان، برادر مسلمان است؛ به او ستم نمی‌کند، او را تنها نمی‌گذارد و به او خیانت نمی‌ورزد (کلینی، ۱۴۰۷ق).

در برخی آیات احترام و کرامت مؤمن از احترام خانه خدا بالاتر دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۴، ۵۳۸) و مطابق روایتی دیگر نزد خدای متعال پنج حرمت وجود دارد: حرمت رسول خدا و آل رسول (ص)، حرمت کتاب خدا، حرمت کعبه و حرمت انسان مؤمن (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۱۰۷). بر این اساس قاعده احترام، به عنوان یک اصل عقلی و شرعی، مبنای حرمت تعرض به جان و مال و عزت انسان‌ها قرار می‌گیرد. اگرچه این قاعده در فقه بیشتر در حوزه اموال به کار رفته است، اما آیات و روایات فوق نشان می‌دهد که احترام به جان انسان نیز جایگاهی اساسی در شریعت دارد. از سوی دیگر، مفاد اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اولویت کرامت انسانی و احترام به شخصیت و تعالی شهروندان نسبت به ثروت‌اندوزی و سرمایه‌داری تأکید دارد. به گونه‌ای که می‌توان گفت احترام به کرامت انسانی، مهم‌ترین کارکرد نظریه اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است (رحمت‌الهی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۸۸). بر همین اساس، می‌توان این قاعده را به عنوان مبنایی برای توجیه مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین به کار گرفت، به ویژه در مواردی که شرایط نامناسب کار، از جمله نبود ایمنی و بهداشت، تبعیض، کار اجباری و اضافه کاری بیش از حد مجاز، موجب آسیب به کرامت انسانی کارگران می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین کالا که در سال‌های اخیر مورد توجه افکار عمومی جهانی و خصوصاً قانون‌گذاران کشورهای غربی قرار گرفته است، بر مبانی اخلاقی، اجتماعی، فقهی و اقتصادی استوار است. از نظر مبنای اجتماعی، نقش و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در قبال جامعه و محیط‌زیست، دیگر محدود به مسئولیت نسبت به سهامداران نیست. زنجیره‌های تأمین پیچیده که در جوامع کمتر توسعه‌یافته ریشه کرده‌اند، تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع محلی دارند. مسئولیت صاحب ویژند، به ویژه در قبال شرایط کاری و معیشتی کارگران، نشان‌دهنده پذیرش وظایف اجتماعی فراتر از کسب سود است.

احترام به کرامت انسانی و شفافیت و عدالت، اصول بنیادینی هستند که مسئولیت اخلاقی شرکت‌ها را شکل می‌دهند. این اصول نشان می‌دهند که شرکت‌ها باید فراتر از الزامات قانونی، به ارزش‌های اخلاقی پایبند باشند. مسئولیت اخلاقی صاحب ویژند در زنجیره تأمین، تضمینی است برای جلوگیری از استثمار کارگران و تضمین حقوق انسانی آن‌ها.

از منظر اقتصادی، مسئولیت صاحب ویژند با کاهش خلأهای ناشی از محدودیت‌های مالی،

اطلاعاتی و اجرایی تأمین‌کنندگان همراه است. انتقال مسئولیت به صاحب ویژند که دسترسی به منابع مالی و اطلاعاتی بیشتر دارد، می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از خسارات زنجیره تأمین شود.

مبانی فقهی مانند قاعده لاضرر، قاعده تسلط و قاعده احترام، زمینه‌ساز استدلال‌های حقوقی برای توجیه مسئولیت مدنی صاحب ویژند هستند. این قواعد، بر منع هرگونه زیان و الزام به جبران خسارات وارده تأکید دارند. مسئولیت صاحب ویژند در قبال شرایط زیان‌بار کاری، به‌ویژه در چارچوب فقه اسلامی، به‌عنوان وظیفه‌ای شرعی و اخلاقی قابل استناد است.

بر مبنای پژوهش حاضر، مسئولیت مدنی صاحب ویژند در زنجیره تأمین، ضرورتی است که از مبانی اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فقهی سرچشمه می‌گیرد. این مسئولیت می‌تواند تضمین‌کننده عدالت، شفافیت و کرامت انسانی در زنجیره تأمین باشد و با تنظیم قوانین مناسب، بستری برای کاهش خسارات و ارتقای حقوق کارگران فراهم آورد. بر اساس این مبانی تدوین مقررات داخلی ناظر بر مسئولیت صاحب ویژند در زنجیره تأمین با الگوگیری از قوانین سایر کشورها، ازجمله دستورالعمل مراقبت بایسته در پایداری شرکتی اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۲۴، گامی مؤثر برای بهبود شرایط کاری و اجتماعی کارگران خواهد بود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ارسطو (۱۳۷۸). *اخلاق نیکوماس*. ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو.
- امامی، محمد؛ پولادین طرقي، حجت؛ محمدی مقدم، محمدجواد و فرحزاد، محسن (۱۴۰۲). «مبانی فقهی مسئولیت ناشی از فعل غیر»، *فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی*، سال نهم، شماره ۳۰.
- انجمن صنفی صنایع بیسکویت، شیرینی و شکلات ایران (۱۴۰۱). *شکوفایی زنجیره‌های تأمین، تولید و فروش در گروه صنعتی مینو*. قابل دسترسی در: <http://www.iranianacm.ir/fa/news/169>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۰۴/۱۱.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۶۴). *المکاسب*. جلد ۳، تهران: مؤسسه دارالکتاب.
- بادینی، حسن و مؤمنی، خسرو (۱۳۹۱). «رویکردی نو برای اثبات جریان قاعده لاضرر در احکام عدمی در زمینه مسئولیت مدنی». *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۳، شماره ۳.
- باریکلو، علیرضا (۱۴۰۲). *مسئولیت مدنی*، تهران: نشر میزان.
- جبیعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. قم: کتابفروشی داوری.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین*. قم: جامعه المدرسین.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶). *مسئولیت مدنی در فقه امامیه (مبانی و ساختار)*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۸ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لایحیاء التراث، جلد ۱۳، چاپ اول.
- راسخ، محمد (۱۳۸۸). «نظریه حق». *فصلنامه باروری و ناباروری*، دوره ۱۰، شماره ۴.
- رحمت‌الهی، حسین؛ عبدالحمیدی، فرزانه و حبیب‌نژاد، سید احمد (۱۴۰۱). «مفهوم رشد انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تطبیق بر قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان». *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، دوره ۹، شماره ۴.
- طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة*. جلد ۲، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ الطائفة) (۱۴۰۰ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. چاپ دوم. بیروت: دارالکتاب العربی.
- علوی قزوینی، سید علی و مسعودیان‌زاده، سید ذبیح‌الله (۱۳۹۳). *قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم»*. *پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی*، شماره ۴.
- قنواتی، جلیل و جاور، حسین (۱۳۹۰). «مبنای احترام در شناسایی و حمایت از حریم خصوصی». *نشریه حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۹.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *مسئولیت ناشی از عیب تولید*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۶). *اصول کافی*. کتاب معیشت باب ضرار. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ق). *قواعد فقه*. چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدنی کاشانی، رضا (۱۴۰۸ ق). *کتاب الدیات*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مفتاحی، مهدی؛ احمدی، سید محمدصادق و نوروزی باغمکه، قدرت الله (۱۴۰۱). «برابری در آراء و نظرات شورای نگهبان با تأکید بر کرامت انسانی». *پژوهش‌های اخلاقی*. سال ۱۳، شماره ۱.
- مکی عاملی. محمد بن جمال‌الدین (شهید اول) (۱۴۱۰ ق). *اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه*. بیروت: الدار الاسلامیه.
- نائینی، شیخ محمدحسین (۱۳۷۶). *منیه الطالب*. جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، شیخ محمدحسن (صاحب جواهر) (۱۹۸۱ م). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*. چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری یوشانلوئی، جعفر و جوهر، سعید (۱۳۹۳). «مفهوم‌شناسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری در حقوق آلمان، فرانسه، انگلستان و ایران با رویکرد تطبیقی». *حقوق تطبیقی*، دوره ۵، شماره ۲.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳). «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین». *نشریه حقوق اساسی*، سال دوم، شماره ۲.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق ایران و فرانسه». *فصلنامه حقوق و مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۴.
- یوسفی، حسن بن ابی طالب (فاضل آبی) (۱۴۱۷ ق). *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*. چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

References

- Bagchi, A (2019). Production liability. *Fordham Law Review*, 87, 2501. Available at: <https://ir.lawnet.fordham.edu/flr/vol87/iss6/9> (accessed June 6, 2024).
- Bergkamp, P. A (2019). *Models of corporate supply chain liability* (Master's thesis). KU Leuven, Faculty of Law.
- Carroll, A. B (1979). A three-dimensional conceptual model of corporate performance. *Academy of Management Review*, 4.
- Chen, L., Lee, H. L., & Tang, C. S (2022). Supply chain fairness. *Production and Operations Management*, 31(11). <https://doi.org/10.1111/poms.13849> (accessed May 21, 2024).
- Committee for Economic Development (1971). *Social responsibilities of business corporations*. New York. Available at <https://www.ced.org/reports/single/social-responsibilities-of-business-corporations> (accessed June 13, 2024).
- European Parliament (2024). *Corporate sustainability due diligence directive, final version adopted on May 24, 2024*. Available at: https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/TA-9-2024-0329_EN.html (accessed

- June 15, 2024).
- European Parliament (2016). Resolution of October 25, 2016, on corporate liability for serious human rights abuses in third countries (2015/2315(INI)).
- European Parliament (2017). Resolution of September 12, 2017, on the impact of international trade and the EU's trade policies on global value chains (2016/2301(INI)).
- Friedman, M (1963). 'The social responsibility of business is to increase its profits'. *The New York Times Magazine*.
- Grossman, R. L., Adams, F. T., & Levenstein, E (1993). Taking care of business: Citizenship and the charter of incorporation. *New Solutions: Journal of Environmental and Occupational Health Policy*, 3(3).
- Hult, G. T. M., et al (2008). Supply chain orientation and balanced scorecard performance. *Journal of Managerial Issues*, 20(4).
- Joyner, B., & Payne, D (2002). Evolution and implementation: A study of values, business ethics, and corporate social responsibility. *Journal of Business Ethics*, 41(4).
- Kambia-Chopin, B (2010). Environmental risks, the judgment-proof problem, and financial responsibility. *European Journal of Law & Economics*, 30.
- Klassen, R., & Vereecke, A (2012). Social issues in supply chains: Capabilities link responsibility, risk (opportunity), and performance. *International Journal of Production Economics*, 140(1), 103–115. Retrieved from <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:153817027> (accessed June 29, 2024).
- Koenig, C (2024). An economic analysis of supply chain liability. *Working paper, Harvard Law School*. <https://ssrn.com/abstract=4819667> (accessed June 21, 2024).
- Miwa, Y (1999). Corporate social responsibility: Dangerous and harmful though maybe not irrelevant. *Cornell Law Review*.
- Porter, M. E., & Kramer, M. R (2006). Strategy and society: The link between competitive advantage and corporate social responsibility. *Harvard Business Review*, 84(12).
- Srivastava, S. K (2007). Green supply-chain management: A state-of-the-art literature review. *International Journal of Management Reviews*, 9(1).
- Stout, L. A (2012). *The shareholder value myth*. San Francisco: Berrett-Koehler Publishers.
- Terwindt, C., Leader, S., Yilmaz-Vastardis, A., & Wright, J (2017). Supply chain liability: Pushing the boundaries of the common law? *Journal of European Tort Law*, 8(3), 261-296. <https://doi.org/10.1515/jetl-2017-0011> (accessed June 9, 2024).
- Ulfbeck, V., Andhov, A., & Mitkidis, K (2019). *Law and responsible supply chain management: Contract and tort interplay and overlap*. Routledge.
- White, M (2021). 'Land grabs' linked to major commodity supply chains will increase. Retrieved from greview.com (accessed June 13, 2024).
- Wood, S (2011). Four varieties of social responsibility: Making sense of the 'sphere of influence' and 'leverage' debate via the case of ISO 26000. *Osgoode CLPE Research Paper*. No. 14.

In Persian and Arabic

Qur'an.

- Aristotle (1999). *Nicomachean ethics* (M. H. Lotfi, Trans.). Tehran: Tarh-e No.
- Emami, M., Pouladin Taraghi, H., Mohammadi Moghaddam, M. J., & Farahzad, M (2023). The jurisprudential foundations of liability arising from the act of another. *Fiqh and Usul Research Journal*, 9(30).
- Iranian Confectionery, Biscuit, and Chocolate Industry Association (2022). Flourishing supply chains, production, and sales in Mino Industrial Group. Retrieved from <http://www.iranianacm.ir/fa/news/169> (Accessed: June 2, 2015).
- Ansari, S. M (1985). *Al-Makasib* (Vol. 3). Tehran: Dar al-Kitab Institute.
- Badini, H., & Momeni, K (2012). A new approach to proving the application of the La-Zarar rule in negative rulings in civil liability. *Law Quarterly*, 43(3).
- Barikloo, A (2023). *Civil liability*. Tehran: Mizan Publishing.
- Jabaei Amili, Z. A (Shahid Thani) (1989). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah*. Qom: Davari Bookstore
- Hurr Amili, M. B. H (1989). *Wasa'il al-Shi'a*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Hosseini Maraghi, M. A (1996). *Al-'Unwan*. Qom: Jami'at al-Mudarrisin.
- Hekmatnia, M (2007). *Civil liability in Imamieh jurisprudence (Foundations and structure)*. Qom: Islamic Propagation Office, Research Institute for Islamic Sciences and Culture.
- Hilli, N.J.B.H (Muhaqqiq Hilli), (1987). *Shara'i al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram* (2nd ed.). Qom: Isma'iliyan Institute.
- Hilli, J.H.B.Y (Allameh Hilli), S. J. A. H. b. Y. b. A. b. M (1993). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Vol. 13). Qom: Al al-Bayt Institute for Reviving Heritage.
- Rasekh, M (2009). Theory of rights. *Journal of Fertility and Infertility*, 10(4).
- Rahmatollahi, H., Abdolmohammadi, F., & Habibnejad, S. A (2022). The concept of human growth in the Constitution of the Islamic Republic of Iran with a comparative study of the Constitution of the Federal Republic of Germany. *Comparative Studies of Islam and the West*, 9(4). <https://doi.org/10.22091/csiw.2021.6752.2047>
- Tabatabai, S. A (1997). *Riyadh al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam bil-Dalail* (Vol. 2).
- Tusi, M. b. H (Shaykh al Taefa) (1980). *Al-Nihayah fi Muja'rad al-Fiqh wa alFatawa* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-ArabiQom: Al al-Bayt Institute
- .Alavi Qazvini, S. A., & Masoudianzadeh, S. Z (2014). The rule of “Man Lahu al-Ghunm Fa'alayhi al-Ghurum”. *Journal of Legal Thought*, (4).
- Ghanavati, J., & Javar, H (2011). The basis of respect in recognizing and protecting privacy. *Islamic Law Journal*, 8(29).
- Katouzian, N (2005). *Liability for defective products* (2nd ed.). Tehran: University of Tehran
- Kulaini, A. M. Y (1987). *Usul al-Kafi*, Kitab al-Ma'ishat, Bab al-Darar. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research.
- Kulaini, A. M. Y (1986). *Al-Kafi* (4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

- Muhaqqiq Damad, S. M (1986). *Fiqh Rules* (12th ed.). Tehran: Center for Islamic Sciences Publications.
- Madani Kashani, R (1988). *Kitab al-Diyat*. Qom: Islamic Publications Office, affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Meftahi, M., Ahmadi, S. M. S., & Nowruzi Baghmakheh, G (2022). Equality in the views and opinions of the Guardian Council with an emphasis on human dignity. *Ethics Research Journal*, 13(1).
- Makki Amili, M.J (Shahid Awwal), M. b. M (1989). *Al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* fi Fiqh al-Imamieh. Beirut: Al-Dar al-Islamiyyah. Dimashqiyyah. Qom: Davari Bookstore.
- Na'ini, S. M. H (1997). *Maniyyat al-Talib* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office, affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Najafi, S.M. H(Saheb Javaher) (1981). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam* (7th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Noori Youshanlouei, J., & Jowhar, S (2014). Conceptual analysis of corporate social responsibility in German, French, English, and Iranian law: A comparative approach. *Comparative Law Journal*, 5(2).
- Vijeh, M. R (2004). The concept of the principle of equality in modern public law. *Journal of Constitutional Law*, 2(2).
- Yazdanian, A (2012). A comparative study of the civil liability rule for acts of others in Iranian and French law. *Journal of Law, Faculty of Law and Political Science*, (4).
- Yousofi, H.B.A.T (fazel Abi) (1996). *Kashf al-Rumuz fi Sharh Mukhtasar al-Nafi'* (3rd ed.). Qom: Islamic Publications Office, affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.